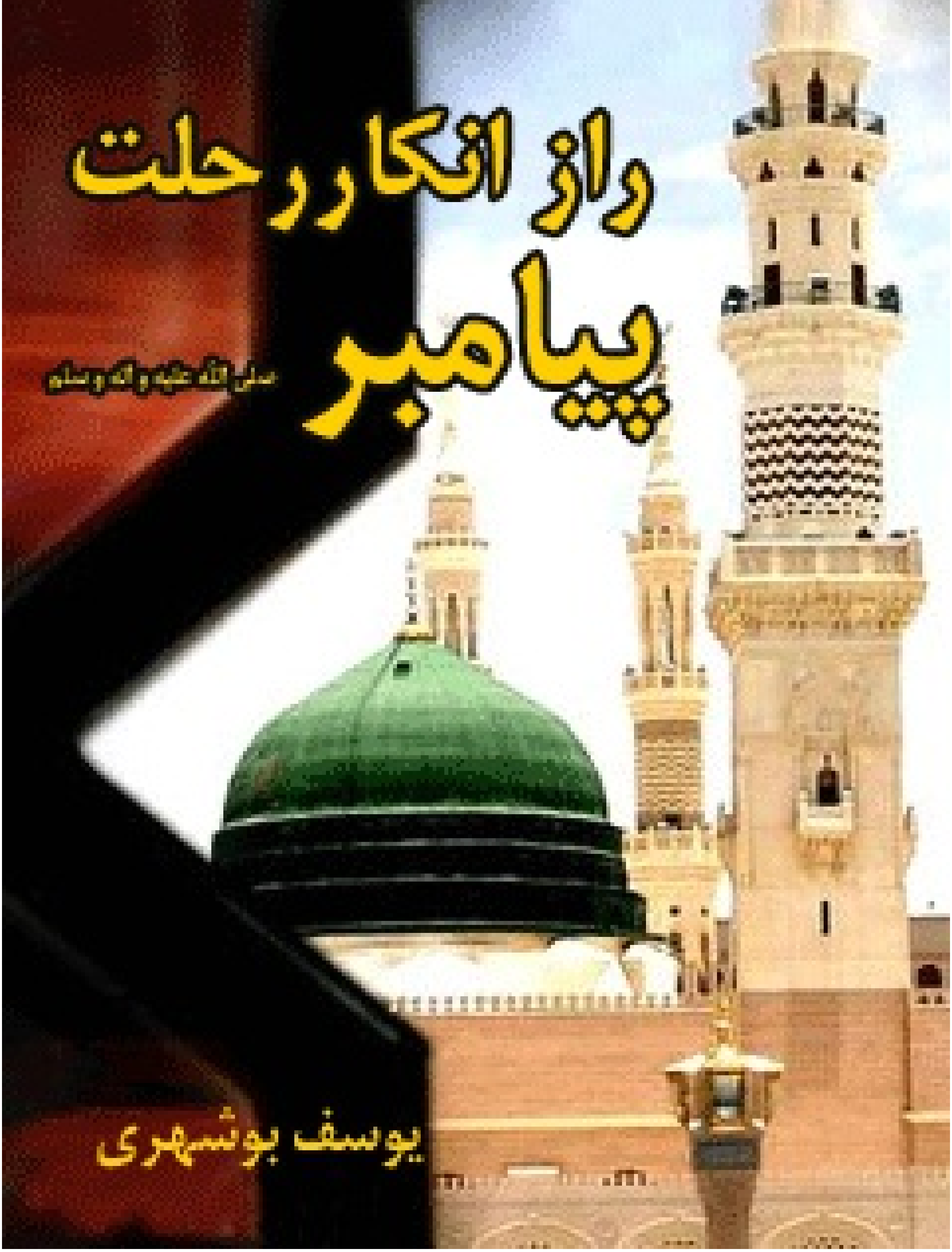

راز انکار رحلت
پیامبر
صلی الله علیه و آله و سلم
یوسف بوشهری

بسم الله الرحمن الرحیم

راز انکار رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

نویسنده:

یوسف بوشهری

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

راز انکار رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

مشخصات کتاب

نوع: مقاله

پدیدآور: بوشهری، یوسف

عنوان و شرح مسئولیت: راز انکار رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله [منبع الکترونیکی] / یوسف بوشهری

توصیف ظاهری: ۱ متن الکترونیکی: بایگانی HTML؛ داده های الکترونیکی (۴ بایگانی: ۲۴.۳KB)

موضوع: محمد (ص)، پیامبر اسلام

تاریخ اسلام

مقدمه

رسول اکرم(ص)در آخرین سفرحج(در عرفه)، در مکه، در غدیرخم، درمدینه قبل از بیماری و بعد از آن در جمع یاران یا در ضمن سخنرانی عمومی، با صراحت و بدون هیچ ابهام، از رحلت خود خبرداد. چنان که قرآن رهروان رسول خدا(ص)را آگاه ساخته بود که پیامبرهم در نیاز به خوراك و پوشاك و ازدواج و وقوع بیماری وپیری مانند دیگر افراد بشر است و همانند آنان خواهد مرد. در حجه الوداع در هنگام رمی جمرات فرمود: مناسک خود را از من فراگیرید، شاید بعد از امسال دیگر به حج نیایم. هرگز مرا دیگردر این جایگاه نخواهید دید. هنگام بازگشت نیز در اجتماع بزرگ حاجیان فرمود: نزدیک است فراخوانده شوم و دعوت حق را اجابت نمایم.عبدالله بن مسعود گوید: پیامبراکرم(ص)یک ماه قبل از رحلت، ما را از وفات خود آگاه نمود... عرض کردیم: ای رسول خدا! رحلت شما در چه موقع خواهدبود؟ فرمود: فراق نزدیک شده و بازگشت به سوی خداوند است. زمانی نیز فرمود: نزدیک است فراخوانده شوم و دعوت حق رااجابت نمایم و من دو چیزگران در میان شما می گذارم و می روم: کتاب خدا و عترتم، اهل بیتم... و خداوند لطیف و آگاه به من خبرداد که این دو هرگز از یکدیگر جدا نشوند تا کنار حوض کوثر برمن وارد شوند. پس خوب بیندیشید چگونه با آن دو رفتار خواهید نمود.روزی به آن حضرت خبر دادند که مردم از وقوع مرگ شما اندوهگین و نگرانند. پیامبر در حالی که

به فضل بن عباس و علی بن ابی طالب(ع)تکیه داده بود به سوی مسجد رهسپار گردید و پس ازدرود و سپاس پروردگار، فرمود: به من خبر داده اند شما از مرگ پیامبر خود درهراس هستید. آیا پیش از من، پیامبری بوده است که جاودان باشد؟! آگاه باشید، من به رحمت پروردگار خود خواهم پیوست و شما نیز به رحمت پروردگار خود ملحق خواهید شد.... در فرصتی دیگر مردم را به رعایت حقوق انصار سفارش و در خطاب به انصار فرمود: ای گروه انصار، زمان فراق و هجران نزدیک است، من دعوت شده ودعوت را پذیرفته ام... بدانید دو چیز است که از نظر من بین آن دو هیچ تفاوتی نیست. اگر بین آن دو مقایسه شود به اندازه تارمویی بین آن دو فرقی نمی گذارم. هرکس یکی را ترک کند مثل این است که آن دیگری راهم ترک کرده است... آن دو کتاب آسمانی واهل بیت رسالت هستند... سفارش مرا در مورد اهل بیت من رعایت کنیدو...(نیز فرمود:)آیا شما را به چیزی راهنمایی نکنم که اگر بدان چنگ زنید، پس از آن هرگز به ضلالت نیفتید؟ گفتند: بلی، ای رسول خدا. فرمود: آن(چیز)علی است. با دوستی من دوستش بدارید و به احترام و بزرگداشت من، او را محترم و بزرگ بدارید. آنچه گفتم جبرئیل از طرف خداوند به من دستور داده بود. ابن حجر هیثمی گوید: پیامبر اکرم(ص)در بیماری خود که به رحلتش انجامید، فرمود: مرگ من به همین زودی فرا می رسد و من سخن خود را به شمارساندم و راه بهانه و عذر را بر شما بستم. آگاه باشید، من کتاب پروردگارم و اهل بیت خود را در میان شما می گذارم و می روم.(سپس دست علی را گرفت و بالا برد و فرمود:)این شخص علی بن ابی طالب است که

همراه با قرآن است و قرآن با علی است و از یکدیگر جدانشوند تا روز قیامت که با من ملاقات نمایند.در روز دوشنبه آخرین روز از زندگی رسول اکرم(ص)آن بزرگوار درمسجد پس از انجام نماز صبح فرمود: ای مردم! آتش فتنه ها شعله ورگردیده و فتنه ها همچون پاره های امواج تاریک شب روی آورده است. رسول خدا(ص)در حالی جان سپرد که سر در دامن علی بن ابی طالب(ع)داشت.علی(ع) شیون کنان، رحلت پیامبر(ص) را به اطرافیان خبر داد. در این زمان ابوبکر به محل سکونت خود در«سنح رفته بود و عایشه به دنبال وی فرستاد تا بی درنگ به شهرآید.

انکار رحلت رسول خدا

چون خبر وفات پیامبر(ص)زمزمه شد، عمر به نهیب فریاد برآورد: هرگز چنین نیست. این بعضی از منافقانند که می پندارند پیامبرمرده است! مردم بدانید، به خدا سوگند، رسول خدا نمرده است بلکه به سوی پروردگار خود رفته، به همان گونه که موسی به سوی پروردگار خود رفت، او چهل روز از پیروان خود غایب بود و پس ازاین که گفته شد او مرده است به نزد ایشان بازگشت. به خداسوگند، رسول خدا باز می گردد و دست و پای کسانی را که گمان برده اند او مرده است، قطع خواهد کرد. او بی وقفه مردم را بیم می داد و در هراس و تردید می گذارد و آن کلمات را به قدری تکرار کرد که دهانش کف نمود. می گفت: هرکس بگوید او مرده است با این شمشیر سرش را از تن جدا خواهم کرد. خداوند تا وعده هایش را به دست او عملی نسازد، وی را نزد خودنمی برد.در آن هنگامه از خانواده حضرت کسی تردید در رحلت رسول گرامی(ص)نداشت و از همین رو جز عباس، شنیده نشد که کسی با عمرسخن گفته و به او توجهی کرده باشد. جز این که

برخی چون آشوب آفرینی عمر را دیدند، گفتند: او چه می گوید!! از وی بپرسیدمگر رسول خدا(ص)در این باره به تو چیزی فرموده که این گونه سراسیمه و آشفته سخن می گویی! و او در پاسخ گفت: نه، اصلا. موضوع رحلت برای خاندان پیامبر و مردم چنان قطعی و بدیهی بودکه ابن ام مکتوم نابینا نیز که جسد مطهر رسول خدا(ص)را نمی دیدهمانند عباس در اعتراض به عمر گفت: تو از خود چه می گویی؟! مگرقرآن نیست که می فرماید:(و ما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل افان مات او قتل انقلبتم علی اعقابکم و من ینقلب علی عقبیه فلن یضر الله شیئا و سیجزی الله الشاکرینمحمد جز فرستاده ای که پیش از او هم پیامبرانی(آمده و)گذشتند،نیست. آیا اگر او بمیرد یا کشته شود از عقیده خود(به شیوه جاهلیت)برمی گردید! هرکس از عقیده خود بازگردد هرگز هیچ زیانی به خدا نمی رساند و به زودی خداوند سپاسگزاران را پاداش می دهد. عباس می افزود: تردید نیست که رسول خدا(ص)مرده است. بیایید اورا دفن کنیم. (با فرض قطعی که وی مرده است.)آیا خداوند شما رایک بار طعم مرگ می چشاند و رسولش را دوبار! او بزرگوارتر از آن است که دوبار بمیرد. بیایید او را دفن کنیم. اگر راست باشد که او نمرده بر خداوند دشوار نیست که خاک را از روی او به یک سوزند و....با این حال، عمر بدون کمترین توجه به اعتراض آنان، بر نظرخود پافشاری می کرد تا آن که چند ساعتی بعد ابوبکر از محل سکونت خود در سنح رسید. و چون چشم به جسد مطهر پیامبر(ص)دوخت، همان آیه را که پیشتر دیگران خوانده بودند خواند و عمر را به سکوت فراخواند و او نیز ساکت بر زمین نشست و گفت: گویا این آیه راپیش از

این نشنیده بودم. آیا این از قرآن است؟!

انگیزه انکار رحلت

محققـان و مورخـان اهل تسـنن برپایه اعتراف عمر انگیزه او رازمینه سازی برای رسـیدن ابوبکر به مـدینه یاد کرده انـد. ابن ابی الحدیـد می نویسـد: عمر بـا این اقـدام می خواست فرصتی برای رسـیدن ابوبکر به محـل فراهم آورده باشـد; زیرا او در فردای سقیفه قبـل از سـخنرانی ابوبکر در مسـجد، ضـمن عـذرخواهی ازاظهارات روز گذشـته درانکار وفات پیامبر(ص)، گفت: وقتی فهمیدم رسول خدا(ص)از دنیا رفته است، ترسـیدم برسـر زمامداری، جنجال وآشوب به پا شودو انصار و دیگران، زمامداری را به دست گیرنـد یااز اسـلام برگردند. در حقیقت اظهارات عمر، به منظور حفاظت از دین و دولت بود.(!)تاابوبکر برسد... چنین دروغ مصـلحت آمیز در هرآیینی مشـروع می باشـد. او مردم را در مورد مرگ حضـرت تا حدی به شک انداخت و آن ها رااز فکر در مورد اوضاع بعد از پیغمبر(ص)و حوادثی که انتظار وقوع آن می رود، غافل نمود. عمر هر چند برای اندیشـیدن و چاره جویی به منظور توفیق درتصـمیم خود فرصت نداشت، طرح وی جوانب فراوانی را در برداشت:۱- طرح او برای مردم دوستدار پیامبر امیـدوار کننـده بود. آن ها آرزو می کردنـد این سـخن راست درآیـد و رهبر خود را بدین زودی از دست ندهند.۲- آن طرح با خود شاهدی از قرآن داشت و نوید می داد که محمدخاتم(ص)نیز چون موسی به ملاقات خدا شتافته و به زودی بازمی گردد.۳- برپـایه آن ادعا چون پیامبر زنـده است نیازی به کوشـش برای تعیین جانشـین او نیست.۴- فرد معتقـد به مرگ پیامبر، منافق است و اقـدام به بیعت باجانشـین او علامت نفاق و تلاش برای ایجاد اختلاف میان مسـلمانان است.۵- با آن که به مرگ پیامبر اعتقاد یابد و با کسی به عنوان جانشین پیامبر بیعت کند باید دست

و پایش را قطع کرد.۶- این که عمر تا پیش از ورود ابوبکر به سخن هیچ کس توجه نکرد و چون ابوبکر رسید و جمله ای می گوید و عمر آرام می گیرد; زیرکانه نقش ابوبکر را بزرگ می نمایاند. این واقعه حتی اگر صحنه سازی از پیش طراحی شده نبود، تا همین جا می توانست مردم را به نقش ابوبکر در رهبری جامعه مسلمانان و آرام ساختن اوضاع متوجه سازد. بسی جای تعجب و تاسف است که برخی نویسندگان غیر شیعه، گاه در دفاع و توجیه واکنش عمر می نویسند: این رفتار عمر از شدت علاقه اش به پیامبر و به موجب دهشت زدگی او از رحلت حضرت بود! حال آنکه عمر خود در فردای آن روز در حضور مردم در مسجد پیرامون رفتار دیروزش مطالبی گفته است که هیچ این توجیه و جانبداری راتایید نمی کند. ابن ابی الحدید عذرخواهی عمر را چنین نقل کرده است: وقتی فهمیدم رسول خدا(ص) از دنیا رفته است، ترسیدم برسرزمامداری،جنجال و آشوبی به پا شود و انصار و دیگران، زمامداری را به دست گیرند یا از اسلام بازگردند.افزون براین، باید پرسید:۱- اگر رفتار او از دهشت وی از مرگ پیامبر(ص)بود، می بایست پس از اعلام قطعی ابوبکر، بردهشت وی افزوده می شد نه این که آرام گیرد و بر زمین نشیند!۲- پس از اطلاع چرا در مراسم عزاداری و تغسیل و تشییع پیامبرشرکت نجست و بی درنگ به سقیفه شتافت؟۳- چرا جز او چنین هراسان و دهشت زده نشد؟ آیا اندوه وی ازدختر گرامی پیامبر بیشتر بود؟ چرا ابوبکر که خشونت و قساوت قلب او را نداشت دچار چنین حالی نشد؟۴- آیا آن رفتار نیز از علاقه به پیامبر بود که درحال حیات حضرت به وی نسبت هذیان و بیهوده گویی داد و به دیگران نیز

نهیب زد که گوش به حرف او ندهید، درک و حواس درستی ندارد که چه می گوید؟!۵- چرا شبهه وفات نکردن پیامبر تنها برای عمربن خطاب پیش آمد؟ او از کجا و به کدام آیه و روایت چنین حدس زد که رسول خدا(ص)نمرده است و چون موسی به میقات رفته و به زودی بازمی گردد و دست و پا قطع می کند؟!۶- هنگامی که اسامه برای تاخیر درحرکت سپاه خود عذر می آوردکه نخواستم از مسافران حال تو را جویا شوم، خوب بود عمر می گفت: این بیتابی چرا؟! خداوند برشما منت نهاده است که تا وعده هایش محقق نشود، پیامبر(ص)از دنیا نخواهد رفت. این که عمر خود عذرمی آورد که در این روزهای حساس نباید پیامبر را بدین حال تنهاگذاشت دلیل آن است که آن ها همه می دانستند که به زودی رسول خدا(ص)رحلت خواهد کرد.۷- چرا او پیش از تحقیق و اطمینان، این گونه جنجال برانگیخت؟۸- چه حکمت داشت که تنها با تایید ابوبکر آرام گرفت نه باسخن دیگران؟ «آیاتی که ابوبکر خواند، نباید سبب شود که اوتغییر عقیده دهد، زیرا مفاد آیات جز این نیست که پیامبر(ص)نیزبه سان مردم می میرد، در صورتی که خلیفه منکر امکان مرگ او نبودبلکه می گفت: هنوز وقت مرگ وی فرا نرسیده است، زیرا هنوزکارهایی ناتمام مانده و رسالتهایی انجام نگرفته است.» به اعتراف ابن ابی الحدید آن جنجال همه بهانه اتلاف وقت برای رسیدن ابوبکر بود و جز این، علتی نداشت.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹